

تحلیل تصویر ذهنی دانشجویان کارشناسی ارشد مدیریت ورزشی از ادامه تحصیل در مقطع دکتری (رویکردی مبتنی بر تحلیل لایه‌ای علی)

رسول نوروزی سید حسینی^۱

۱. استادیار مدیریت ورزشی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۰۳

چکیده

تصویر ذهنی دانشجویان از مفهوم ادامه تحصیل نمایانگر انتظارات و جهت‌گیری‌هایشان در آموزش عالی است. این تحقیق با هدف تحلیل لایه‌های تصویر ذهنی دانشجویان کارشناسی ارشد مدیریت ورزشی از ادامه تحصیل در مقطع دکتری انجام شد. با استفاده از روش کیفی و کاربرد استراتژی موردپژوهی داده‌هایی از طریق مصاحبه و گروه‌های کانونی جمع‌آوری شد. ۵۹ نفر از دانشجویان کارشناسی ارشد رشته مدیریت ورزشی به روش نمونه‌گیری هدفمند مشارکت‌کنندگان در این تحقیق بودند. به‌منظور جزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل مضامین و تکنیک تحلیل لایه‌ای علی (CLA) استفاده شد. نتایج نشان داد دانشجویان کارشناسی ارشد مدیریت ورزشی دارای سه دسته تصویر ذهنی از مفهوم ادامه تحصیل در مقطع دکتری بودند که متأثر از بن‌مایه‌های تصویر ذهنی‌شان است. این سه دسته تصویر ذهنی شامل (۱) ادامه تحصیل دهندگان ناچار، (۲) ادامه تحصیل دهندگان دلباخته علم، و (۳) ادامه تحصیل دهندگان ریسک‌کننده هستند. می‌توان نتیجه‌گیری کرد که این تصاویر ذهنی دانشجویان رشته مدیریت ورزشی از ادامه تحصیل در مقطع دکتری برآیند سیاست‌های آموزشی و فعل و انفعالات موجود در زیست جهان‌های دانشجویان در محیط‌های علمی مدیریت ورزشی است که بدین‌صورت نمایان شده است. نتایج این تحقیق می‌تواند راهگشای خوبی برای گسترش حوزه‌های مطالعاتی در مقاطع تحصیلات تکمیلی و همچنین انطباق سیاست‌های اشتغال و فناوری کشور با سیاست‌های آموزشی مربوط به رشته مدیریت ورزشی باشد.

واژگان کلیدی: انگیزه ادامه تحصیل، تحلیل لایه‌ای علی، تصویر ذهنی، دلباختگان علم، سیاست آموزشی

مقدمه

وظیفه تولید علم در هر کشوری بر عهده دانشگاه‌ها به عنوان سازمان‌یافته‌ترین بخش نهاد تعلیم و تربیت قرار داده شده است (کاکس و گروس؛ ۲۰۱۹). در واقع دانشگاه، عالی‌ترین نهاد تربیت و آموزش سرمایه انسانی با بهره‌گیری از تمامی منابع معرفتی است. این دانشگاه است که مهم‌ترین مرکز پژوهش و نوآوری در حوزه‌های مختلف علم و فناوری بوده و زمینه‌ساز تحولات عمیق فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و همچنین مروج اخلاق، علم، حکمت و پشتیبان بنگاه‌های دانش‌بنیان است (صالحی عمران و حسینی تبار، ۲۰۱۴: ۳۴). در دنیای معاصر اموری از قبیل نیاز و تقاضای فزاینده برای آموزش عالی، رشد فناوری‌های جدید و تغییر نظام‌های قدیمی آموزش از جمله عواملی هستند که دانشگاه‌ها را به صورت جدی تحت تأثیر قرار داده و شیوه ارائه و مراحل آموزش عالی را تغییر داده‌اند (ویپهوی؛ ۲۰۱۹). علاوه بر این، آموزش عالی نقش مهمی در بازار کار ایفا می‌کند و مشارکت در توسعه اقتصادی از طریق توسعه و تربیت نیروی کار بخش مهمی از مأموریت اصلی دانشگاه‌ها را تشکیل می‌دهد (خسروی و همکاران، ۲۰۱۶). در این راستا دانشگاه‌ها از تمام توان خود استفاده می‌کنند تا این‌که دانش‌آموختگان پس از فراغت از تحصیل چرخ توسعه را سریع‌تر و بهتر به حرکت درآورند (لی؛ ۲۰۱۴). اما در بسیاری موارد مشاهده می‌شود فرصت لازم در اختیار این دانش‌آموختگان قرار نمی‌گیرد تا آموخته‌های دانشگاهی خود را برای پیشبرد اهداف کشور به کار بگیرند و با وجود تمام تلاش‌هایی که در توسعه کمی و کیفی دانشگاه‌ها انجام شده کمتر به این حوزه -به کارگیری این نیروی انسانی در مشاغل و پست‌های مورد نیاز کشور- توجه شده است (خسروی و همکاران، ۲۰۱۶).

همان‌گونه که بیان شد، آموزش عالی در دهه‌های اخیر با مسائل و چالش‌هایی روبه‌رو شده است که نیاز به تغییر و بهبود کیفیت آن را به شدت ضروری ساخته است (ویپهوی، ۲۰۱۹). در کنار این عوامل کماکان افزایش تقاضا برای آموزش عالی در جامعه به چشم می‌خورد (زاربو-گریما؛ ۲۰۲۰). به عبارت دیگر کماکان، وجود علاقه و تمایل به ادامه تحصیلات نیز دیده می‌شود (ویپهوی، ۲۰۱۹؛ زاریو-گریما، ۲۰۲۰). دانشجویان می‌خواهند با ورود به مقاطع تحصیلات تکمیلی، پایگاه اجتماعی خود را بالاتر ببرند و کسب اعتبار کنند (کوثری و خوشنام، ۲۰۱۷). بر اساس آمارهای به دست آمده میزان جمعیت دانشجویان تحصیلات تکمیلی کشور در نیمه دوم بازه زمانی سال‌های اخیر (۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶) رشد بیشتری از نیمه اول آن داشته است. در این بازه زمانی بیشترین رشد مربوط به

-
1. Cox and Grus
 2. Yihui
 3. Li
 4. Zorio-Grima

دانشجویان دوره دکتری تخصصی با نرخ رشد ۱۹۱ درصدی بوده است (مهدی زاده و هاشمی، ۲۰۲۰: ۸۲۰). از این رو می‌توان بیان داشت ویژگی مهم آموزش عالی در چهار دهه گذشته، گسترش سریع آموزش عالی در کشورهای در حال توسعه از جمله کشور ما بوده است (صالحی عمران و حسین تبار، ۲۰۱۴: ۳۴). اما با توجه به تحقق نیافتن شاخص‌های کیفی توسعه آموزش عالی مانند نسبت مناسب دانشجو به استاد، توسعه اندک امکانات آزمایشگاهی و رفاهی و... می‌توان این توسعه را نامتوازن تلقی کرد. در حالی که با وجود توازن در کمیت و کیفیت آموزش عالی می‌تواند در اعتلای جامعه و پیشرفت علمی، فنی، صنعتی و فرهنگی جامعه تأثیرگذار باشد (مهدی زاده و هاشمی، ۲۰۲۰).

بر اساس مطالعات منند^۱ (۲۰۱۱؛ به نقل از کوثری و خوشنام، ۲۰۱۷) در فرهنگ عمومی، عموماً سه نظریه درباره علت حضور افراد در نهادهای آموزش عالی وجود دارد. نظریه نخست اعلام می‌کند که آموزش، شایسته‌سالاری است، یعنی آموزش عالی می‌تواند افراد باهوش را از افراد کم‌هوش جدا کند. نظریه دوم رویکرد دموکراتیک است که بر پایه این رویکرد، آموزش تأمین‌کننده شهروندان روشنگری است که بازتاب‌دهنده مهارت‌ها، نگرش‌ها و خصوصیات است که نوع بشر را در بهترین حالت متمایز می‌کند. نظریه سوم مدعی است که آموزش عالی باید با محوریت مشاغل حرفه‌ای باشد، به‌ویژه طوری طراحی شود که دانشجویان را مرتبط با یک شغل، آموزش داده و تجهیز کند. این مسئله که دانشجو با چه انتظاراتی وارد دانشگاه شده و چگونه می‌خواهد این مسیر کسب دانش را ادامه دهد موضوع بسیار مهمی است. به عبارت دیگر هر دانشجو با مجموعه‌ای از تفاوت‌های شخصی، خانوادگی، محیطی و تجربه‌های اجتماعی به دانشگاه وارد می‌شود و آرزوها و اشتیاق زیادی برای ورود به محیط دانشگاه و تحصیل در آن را دارد، زیرا همان‌طور که پژوهش‌ها نشان می‌دهند افراد خوش‌شانسی که دسترسی و پذیرش در نظام آموزش عالی را قسمت خود می‌کنند، یک سرمایه‌گذاری شخصی با منافع مادام‌العمر انجام می‌دهند (داغستانی خامنه، ۲۰۱۰؛ کوثری و خوشنام، ۲۰۱۷). عوامل مختلفی در دوران دانشجویی می‌توانند سبب علاقه و نگرش مثبت نسبت به رشته تحصیلی و ادامه آن در مقاطع بالاتر و یا برعکس منجر به دل‌زدگی، خستگی یا ناامیدی از ادامه تحصیل شوند (زاریو-گریما، ۲۰۲۰). به هر حال از میان کسانی که موفق به عبور از کنکور و سایر مشکلات ورود به دانشگاه می‌شوند، تعدادی به دلیل نارضایتی از رشته تحصیلی خود، از ادامه تحصیل منصرف شده و یا ناامیدانه تن به ادامه تحصیل می‌دهند (زارعی، عزیزی، کاظمی، ۲۰۱۱) یا گزینه دیگری تحت عنوان مهاجرت برای ادامه تحصیل را انتخاب می‌کنند. این گزینه از دیرباز وجود داشته است ولی روند آن در سال‌های اخیر شدت بیشتری به خود گرفته است (لو، تیان، و

لای، ۲۰۱۸). تحقیقات نشان داده است تمایل به مهاجرت به منظور ادامه تحصیل یکی از گزینه‌هایی است که تابع موقعیت اجتماعی و هویت دانشجویان است (داغستانی خامنه، ۲۰۱۰) و در بیشتر موارد ناشی از نارضایتی از برنامه‌های آموزشی و تصویر مثبت ادراک‌شده از برنامه‌های آموزشی خارجی است (لو و همکاران، ۲۰۱۸). بر اساس همین امور است که دانشگاه‌ها سعی می‌کنند برنامه‌های آموزشی خود را در مقاطع تحصیلات تکمیلی ارتقا داده تا میزان مهاجرت به خارج از کشور کاهش یابد و تا حد امکان مهاجرت معکوس به دانشگاه‌ها را به وجود آورند (از طریق جذب دانشجویان بین‌المللی). در سال‌های اخیر در دانشگاه‌های تراز اول تلاش‌ها برای بهبود برنامه‌های آموزشی و ارتقا تراز علمی صورت گرفته است. به بیان دیگر می‌توان این‌گونه برداشت کرد که اهمیت پیشرفت تحصیلی و در نتیجه کارایی آموزشی برای نظام آموزش عالی، در سال‌های اخیر بیشتر شده است.

دانشگاه‌ها برای ارتقا کیفیت آموزشی و تراز علمی‌شان با چالش‌های مختلفی روبه‌رو شده‌اند. از این چالش‌ها می‌توان به رشد تقاضای اجتماعی برای ورود به دانشگاه‌ها، افزایش رقابت و تمایل به ادامه تحصیل، افزایش هزینه‌های آموزشی و کمبود منابع مالی دانشگاه‌ها، رشد سریع فناوری اطلاعات و جهانی‌شدن و تغییر ساختار مدیریت دانشگاه‌ها اشاره کرد (زارعی، عزیزی، کاظمی، ۲۰۱۱). در بین این چالش‌ها، انگیزه تحصیل و تصویر ذهنی دانشجویان از ادامه تحصیل به عنوان اصلی‌ترین افراد تشکیل‌دهنده نظام‌های آموزشی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در مورد عوامل، اثرات، شیوه‌ها و انگیزه ادامه تحصیل تحقیقات مختلفی در مجامع علمی صورت گرفته است. به عنوان مثال، ساده و همکاران (۲۰۱۹) دلیل افزایش تقاضای آموزش عالی و گسترش کمی دانشگاه‌ها را سیاست‌های نادرست و برنامه‌های محافظه کارانه دولتی می‌دانند. لیا^۲ (۲۰۰۹) در تحقیقی دلایل عدم تمایل دانشجویان به ادامه تحصیل در مقاطع تحصیلی بالاتر را شامل پایگاه اقتصادی-اجتماعی، سرمایه فرهنگی و اجتماعی، انتظارات و ساختار خانواده، دلایل مالی و دلایل نهادی می‌داند. ویهوی (۲۰۱۹) در تحقیق خود به این نتیجه رسید که عواملی که منجر به ایجاد انگیزه برای ادامه تحصیلات تکمیلی می‌شوند شامل نیازهای روان‌شناختی درونی، فشارهای واردشده از محیط اجتماعی، به دست آوردن آینده مطمئن شغلی و توسعه مهارت‌های شغلی هستند. صبوری آقبلاغ، ایمانی پور و احمدی (۲۰۱۷) در تحقیق‌شان در تبیین علل و انگیزه انتخاب و ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد به این نتیجه رسیدند که علل انتخاب و ادامه تحصیل دانشجویان در چهار درون‌مایه مؤلفه‌های فردی شامل طبقات رشد علمی- شخصیتی، محرک‌های اختصاصی و محرک‌های غیراختصاصی؛

-
1. Lu, Tian & Lai
 2. Lea

مؤلفه‌های سیستمی شامل اقتضانات شغلی، فرار حرفه‌ای، فرار آزمونی، ماهیت و نحوه ارائه آموزش‌ها؛ مؤلفه‌های اجتماعی شامل مدرک‌گرایی قابل تقسیم هستند. اکبری بورنگ (۲۰۱۵) در تحقیقی به این نتیجه رسید که تصویر ذهنی دانشجویان از آینده شغلی و تحصیلی‌شان، بر انگیزش درونی و بیرونی دانشجویان تأثیر معناداری دارد. علاوه بر این، وی به این نکته اذعان می‌کند که مدرسان و استادان باید بتوانند نقش مؤثر خود را در شکل‌دهی تصویر ذهنی دانشجویان برای ادامه تحصیل به‌خوبی ایفا کنند. مهدی زاده و هاشمی (۲۰۲۰) در تحقیقی به این نتیجه رسیدند که بین متغیرهای نظام ارزشی، تغییرات اجتماعی، فشار اجتماعی و انگیزه بهبود وضعیت شغلی با تقاضا برای تحصیل در مقطع دکتری رابطه مثبت معناداری وجود دارد. مونی، تریسی، هنسی، نیکسون و بال (۲۰۱۶) در پژوهش خود به این نکته اشاره می‌کنند که عوامل زیادی برای تصمیم به ادامه تحصیل دارند و برخی از عوامل مؤثر بر انتخاب دانشجو برای حضور در دانشگاه با جنبه‌های اجتماعی، چشم‌انداز شغلی، جدا شدن از خانه و استقلال و یادگیری مرتبط است.

سلیمی و خداپرست (۲۰۱۶) در تحقیقی به این نتیجه رسیدند که با بهبود روابط و تعاملات استادان و دانشجویان رشته تربیت‌بدنی، انگیزش تحصیلی و خودکارآمدی پژوهشی این دانشجویان به سطح بالاتری ارتقا پیدا خواهد کرد و در نتیجه وضعیت مناسب‌تری برای پژوهش و تحصیل آنها فراهم می‌آید. خدادادی، نجدرحمتی و فریدفتحی (۲۰۱۷) در تحقیقی به این نتیجه رسیدند وجود فضای دوستانه و شاد در مدارس می‌تواند انگیزه پیشرفت تحصیلی را در دانش آموزان ارتقا دهد و منجر به پیشرفت تحصیلی آنها شود. کاکس و گروس (۲۰۱۹) در تحقیق خود بیان می‌کنند که مهم‌ترین عامل ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر به دست آوردن شایستگی‌ها و صلاحیت‌های لازم برای شغل‌های آتی دانشجویان است. لی (۲۰۱۴) در تحقیقی به این نکته اشاره می‌کند که بسیاری از افراد شاغل در صنایع مختلف نیاز دارند که به عنوان دانشجو در مقاطع بالاتر تحصیلی شرکت کنند و کسب مدارک تحصیلی دکتری و کارشناسی ارشد می‌تواند احتمال موفقیت شغلی آنها را به شدت بالا ببرد. مینیتی، کارپل، ریگنیر و همکاران^۲ (۲۰۱۹) در تحقیقی اذعان کردند تعارضات بین شغل‌های پاره‌وقت دانشجویان و نیازهای آموزشی دوره‌های تحصیلات تکمیلی در سال‌های اخیر افزایش یافته است و این تعارضات از عوامل مهم عدم تمایل دانشجویان برای ارتقا به دوره‌های عالی تحصیلات است. کینسلا، فرای و زکین^۳ (۲۰۱۸) در تحقیقی به این نکته اشاره کردند که عوامل انگیزشی اصلی برای ادامه تحصیل دانشجویان را کسب موقعیت شغلی و ارتقا پایگاه اقتصادی-

-
1. Money, Tracy, Hennessy, Nixon & Ball
 2. Minniti, Chappell, Regnier, et al
 3. Kinsella, Fry & Zecchin

اجتماعی هستند. لی، چن، ونگ و همکاران^۱ (۲۰۱۹) در تحقیقی بیان داشتند یکی از عوامل مؤثر برای ادامه تحصیل در بین دانشجویان ارتقا مهارت‌ها و قابلیت‌های پژوهشی است. عبدالله، شاریدی و واطایفی^۲ (۲۰۱۹) نیز به این نتیجه رسیدند که هزینه‌ها و زمان‌بندی نامناسب از اصلی‌ترین موانع ادامه تحصیل در بین دانشجویان پرستاری هستند. زاریو-گریما^۳ (۲۰۲۰) در تحقیقی به این نتیجه رسید که رقابت پایدار برای ادامه تحصیل و به دست آوردن عناوین تحصیلی بالای دانشگاهی (نظیر دکتر و مهندس) ناشی از کسب پایگاه عمومی، وجهه اجتماعی و صلاحیت ادراک‌شده افراد دانشگاهی است.

با توجه به مرور مطالعات صورت گرفته می‌توان این‌گونه مسئله تحقیق را صورت‌بندی نمود که پیشرفت‌های روزافزون در زمینه دستاوردهای علمی و به دنبال آن، افزایش تراکم مطالب علمی حرکت به سمت تخصصی شدن علوم را سرعت بخشیده است. تحولات سریع موجب تنوع و گستردگی در رشته‌های مختلف دانشگاهی از جمله مدیریت ورزشی نیز شده است. علاوه بر این، آمار دانشجویان در مقطع دکتری مؤید این امر است که روز به روز سهمیه پذیرش دانشجویان برای این مقطع در حال افزایش است و بسیاری از دانشگاه‌ها تمایل به راه‌اندازی مقطع دکتری دارند (صادقی و باقریان، ۲۰۱۳). در کنار این موضوع باید اشاره کرد که در طول سال‌ها برنامه‌های آموزشی مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری به مجموعه‌ای متنوع و گوناگون از برنامه‌های دانشگاهی در هر رشته آموزش عالی تکامل یافته است. یکی از چشم‌اندازهای آموزش عالی این است که برنامه‌های آموزشی مقطع دکتری در جهت تأمین نیازهای دانشجویان و جامعه با هدف توسعه تخصصی علم و پژوهش باشد، زیرا به نظر می‌رسد این امور در مدت زمان اندک برنامه‌های دوره کارشناسی ارشد تأمین نخواهد شد و به احتمال زیاد در مقطع دکتری فرصت‌های یادگیری و مشارکت در بسط علم برای دانشجویان بیشتر فراهم آورده می‌شود. این فرصت‌ها و زمینه‌های تحقیقاتی در مقطع دکتری می‌تواند انگیزه‌های ادامه تحصیل را در دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد به وجود آورد. با وجود این چرایی ادامه تحصیل دانشجویان رشته مدیریت ورزشی در مقطع دکتری و این‌که چه امری یا اموری باعث وقوع آن می‌شوند در هاله‌ای از ابهام است. به عبارت دیگر تصویری که در ذهن دانشجویان رشته مدیریت ورزشی از ادامه تحصیل وجود دارد کماکان مبهم است. دلیل آن هم این است که شناخت دقیقی از چیستی این تصویر ذهنی از ادامه تحصیل در مقطع دکتری وجود ندارد. زیرا بر اساس جستجوهای متعدد صورت گرفته مطالعات انجام‌شده در زمینه چیستی تصویر ذهنی دانشجویان رشته مدیریت ورزشی برای ادامه تحصیل و انتخاب

-
1. Li, Chen, Wang, et al
 2. Abuloha, Sharaydih, & Wazaify
 3. Zorio-Grima

گرایش‌های تخصصی بسیار ناچیز است. در کنار این امر باید تأکید شود که نیاز کشور به متخصصان و میزان تقاضا برای ادامه تحصیل در رشته مدیریت ورزشی باید سنجیده شود تا وزارت علوم بتواند بر اساس این نتایج، رویه‌هایی را برای توسعه علمی کشور در این حوزه مشخص کند. بنابراین، هدف از این تحقیق تحلیل لایه‌ای علی تصویر ذهنی دانشجویان کارشناسی ارشد مدیریت ورزشی از ادامه تحصیل در مقطع دکتری است.

روش پژوهش

این تحقیق با ماهیت اکتشافی و با هدف بسط دانش و شناخت موجود در مورد تصویر ذهنی دانشجویان کارشناسی ارشد مدیریت ورزشی از ادامه تحصیل در مقطع دکتری انجام شد. هدف از این تحقیق، روشن‌گری مفاهیم، جمع‌آوری تعاریف، کسب بینش، تصحیح شیوه طرح مسائل و ایده‌های مرتبط با تصویر ذهنی دانشجویان از مقوله ادامه تحصیل در مقطع دکتری است. همچنین این تحقیق بر مبنای جستجوی داده‌ها، دارای ماهیت کیفی است (اندرو، پدرس، مک اووی، ۲۰۱۱: ۱۱). در این تحقیق از استراتژی مورد پژوهی^۲ استفاده شد. مورد پژوهی یکی از استراتژی‌های روش کیفی است که در آن محقق سیستمی با حد و مرز مشخص^۳ (یعنی یک موقعیت، یک زمینه) یا چند سیستم با حد و مرز مشخص را در طول زمان به صورت تفصیلی و عمیق بررسی و اکتشاف می‌کند و گزارشی مشتمل بر توصیف مورد و مضامین اصلی شناسایی شده، ارائه می‌کند (یین، ۲۰۰۳: ۲۳). در این تحقیق زمینه^۴ مورد مطالعه، دانشجویان در حال تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد رشته مدیریت ورزشی بود. از طریق روش نمونه‌گیری هدفمند (با معیار ورودی دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت ورزشی بودن) مشارکت‌کنندگان از بین دانشجویان کارشناسی ارشد رشته مدیریت ورزشی انتخاب شدند. برای این که طیف وسیعی از مفاهیم مرتبط با تصویر ذهنی دانشجویان از ادامه تحصیل به دست آید سعی شد دامنه شرکت‌کنندگان از دانشجویان ترم اول تا دانشجویان در حال انجام پروژه پایان‌نامه در نظر گرفته شود. از این طریق می‌توان گستره تصویر ذهنی را به دست آورد که صرفاً معطوف به یک برش زمانی خاص (نظیر ترم اول، ترم دوم، ترم سوم، و...) نیست؛ زیرا تحلیل تصاویر ذهنی کلی مقطع کارشناسی ارشد مدنظر

-
1. Andrew, Pedersen & McEvoy
 2. Case study
 3. Bounded System
 4. Yin
 5. Context

تحقیق بود. در واقع پس از رسیدن به اشباع نظری و کشف نهایی لایه‌ها و تصویر ذهنی، ۵۹ نفر از دانشجویان کارشناسی ارشد رشته مدیریت ورزشی به عنوان مشارکت‌کنندگان نهایی تعیین شدند. از طریق مصاحبه‌های ساختاریافته و پرسش‌های هدفمند، داده‌های متعددی برای کشف تصویر ذهنی دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد مدیریت ورزشی جمع‌آوری شد. علاوه بر این دو گروه کانونی^۱ (یکی ۷ نفر و دیگری ۹ نفر) برای جمع‌آوری داده‌ها انجام شد. در انجام گروه‌های کانونی پس از انجام هماهنگی با دانشجویان و تعیین زمان جلسه و هدف آن، محقق به عنوان تسهیل‌گر مطالبی را برای شروع بحث در بین دانشجویان مطرح می‌کرد و سیر بحث و تبادل نظرات را دنبال می‌کرد. این کار به نحوی انجام می‌شد تا تمامی دانشجویان نظرات خود را بیان کنند و هیچ موردی از تبادل نظر کنار گذاشته نشود و یا تحت تأثیر سایرین نظرات خود را مسکوت نگذارد. هم‌فکری و ارائه آزاد مباحث از سوی دانشجویان بدون هیچ‌گونه قضاوتی دنبال می‌شد و در زمانی که بحث به حوزه‌های متفاوت از مسئله تحقیق می‌رسید، محقق جهت گفتگوها را به سمت مسئله تحقیق تغییر می‌داد. علاوه بر این پرسش‌هایی به واسطه مطالعه مبانی نظری و همچنین یافتن داده‌ها در رابطه با لایه‌های چهارگانه رویکرد تحلیل داده‌ها طراحی شدند. این روند در انتهای مصاحبه با طرح کردن ۸ سؤال بسته به پایان رسید (سؤالات مربوط به ۸ ویژگی مطرح‌شده در لایه لیتانی) که تلاشی برای جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل لایه کمی (لیتانی) تحقیق بود.

رویکردی که در این تحقیق برای اکتشاف و تحلیل عمیق مقوله تصویر ذهنی ادامه تحصیل دانشجویان کارشناسی ارشد به مقطع دکتری مورد استفاده قرار گرفته است، تحلیل لایه‌ای علی (CLA) است. در این رویکرد با تلفیق مکاتب مختلف معرفت‌شناختی فضای جدیدی را برای تشریح و حل مسائل فراهم می‌کند که در آن نه تنها علل ظاهری مشکلات، بلکه علت‌های بنیادین و عمیق آنها نیز مورد شناسایی و تحلیل قرار می‌گیرند (عنایت اله، ۱۹۹۸). تحلیل لایه‌ای علی^۳ (CLA) یک روش و نظریه تحقیقاتی جدید است که توسط سهیل عنایت اله (۲۰۰۹) مطرح شده و به عنوان یک نظریه به دنبال ترکیب و یکپارچه‌سازی دیدگاه‌های تجربی، تعبیری، انتقادی و یادگیری حین عمل است. کاربرد آن به عنوان یک روش به معنای پیش‌بینی آینده نیست بلکه به معنای تحلیل فضاهای متحول‌ساز برای یک موضوع است و احتمالاً در توسعه یک سیاست مؤثرتر، عمیق‌تر، جامع‌تر و بلندمدت‌تر مفید است (عنایت اله، ۲۰۱۴؛ ریدی، ۲۰۰۸). تحلیل لایه‌ای علی شامل

-
1. Focus Group
 2. Sohail Inayatullah
 3. Causal Layered Analysis
 4. Riedy

چهار سطح است: لیتانی^۱، علل اجتماعی^۲، گفتمان/ جهان‌بینی^۳، اسطوره / استعاره^۴. سطح نخست یعنی لیتانی دیدگاه بدون پرسش و معمول واقعیت است. سطح دوم، سطح علت‌های اجتماعی و دورنمای نظام‌مند است. داده و اطلاعات لیتانی در سطح دوم شرح داده می‌شود و مورد پرسش قرار می‌گیرد. سطح سوم گفتمان یا جهان‌بینی است. در این سطح فرض‌های عمیق‌تر، استدلالی، جهان‌بینی و ایدئولوژیک ناخودآگاه مشخص می‌شوند. در این سطح می‌توان به اکتشاف این امر پرداخت که چگونه ذینفعان مختلف، لیتانی و نظام را می‌سازند. سطح چهارم اسطوره/استعاره است که ابعاد احساسی ناخودآگاه را بیان می‌دارد. چالش فراروی آن، انجام تحقیقات و حرکت در این لایه‌های تحلیل و در نتیجه در برگرفتن شیوه‌های مختلف دانستن است. انجام این کار منجر به خلق آینده‌های بدیل معتبر و تحول یکپارچه می‌شود. روش تحلیل لایه‌ای علی با طرح پرسش از آینده آغاز می‌شود و با همین پرسش خاتمه می‌یابد (عنایت اله، ۲۰۰۹؛ بیشاپ و زدیک^۵، ۲۰۱۴). با استفاده از روش تحلیل لایه‌ای علی بر روی تحلیل لایه‌ای علی می‌توان مشاهده کرد که چگونه سطح لیتانی فعلی (روندها و مسائل اصلی فراروی جهان) به خودی خود نوک کوه یخ، بیان یک جهان‌بینی خاص است. بحث در این مورد که کدام ایده‌های خاص مناسب کجا هستند هدف لایه‌ها را ناکام می‌گذارد. آنها به دنبال کمک به خلق انواع جدید تفکر و نه تشویق بحث در مورد مسائلی از این دست هستند که چه چیزی دقیقاً باید در کجا مطرح شود (هایگ^۶، ۲۰۱۶). در نتیجه، تحلیل لایه‌ای علی دارای پایه و اساس واقعی است که در تاریخ ساختار می‌یابد، سپس در یک گفتمان یا جهان‌بینی بافتار می‌یابد و در مرحله بعد در روش‌های پیش و پس‌امنطقی دانستن در اسطوره و استعاره قرار می‌گیرد. چالش فراروی آن، گنجانیدن دیدگاه‌ها و دورنمای بسیار در یک مسئله خاص و حرکت رو به بالا و پایین در بین سطوح و حواشی آنها است (ریدی، ۲۰۰۸).

به منظور تحلیل داده‌های کیفی از روش تحلیل مضامین (براون و کلارک^۷، ۲۰۰۶) استفاده شد. این روش برای شناسایی و تحلیل و گزارش دادن الگوها (تم‌های موجود در داده‌ها) به کار می‌رود. مضامین یا الگوهای داده‌ها را می‌توان به روش استقرایی شناخت. در روش استقرایی، مضامین شناخته شده، به شدت با خود داده‌ها مرتبط هستند. این روش تحلیل مضمون تا حدودی شبیه

-
1. Litany
 2. Social Causes
 3. Discourse/worldview
 4. Myth/Metaphor
 5. Bishop & Dzidic
 6. Haigh
 7. Braun & Clarke

نظریه داده بنیاد است. در این روش، فرایند کدگذاری داده‌ها بدون تلاش برای انطباق آن با چارچوب کدگذاری از قبل تهیه شده (یا قالب مضامین) صورت می‌گیرد. در روش استقرایی، تحلیل مضمون بر اساس داده‌ها انجام می‌شود. در این پژوهش از رویکرد استقرایی بهره گرفته و از فرایند تحلیل شش مرحله‌ای که توسط براون و کلارک (۲۰۰۶) ارائه شده، استفاده شده است. این مراحل شش‌گانه عبارتند از: گام اول: آشنایی با داده‌ها. این مرحله شامل بازخوانی مکرر داده‌ها به صورت فعال، یعنی جست‌وجوی معانی و الگوهاست. گام دوم: ایجاد کدهای اولیه. این مرحله شامل ایجاد کدهای اولیه از داده‌هاست. گام سوم: جست‌وجوی تم‌ها. در این مرحله، پژوهشگر تحلیل را آغاز می‌کند و در نظر می‌گیرد که چگونه کدهای گوناگون می‌توانند برای ایجاد یک مجموعه از تم‌های اصلی و فرعی ترکیب شوند. گام چهارم: بازبینی تم‌ها. مرحله چهارم زمانی شروع می‌شود که پژوهشگر مجموعه‌ای از تم‌ها را ایجاد کرده، آنها را بازبینی می‌کند. معیار قضاوت نیز در این گام، تجانس درونی و تباین بیرونی است. گام پنجم: تعریف و نام‌گذاری تم‌ها. پژوهشگر در این مرحله، تم‌هایی را که ارائه کرده، تعریف و بازبینی مجدد می‌کند. سپس، داده‌های داخل آنها را تحلیل می‌کند. گام ششم: تهیه گزارش. این مرحله شامل تحلیل پایانی و نگارش گزارش است. گزارش پایانی باید یک داستان مختصر، منطقی، منسجم و غیر تکراری را درباره تم‌ها و داده‌های مرتبط با هر تم، ارائه کند (براون و کلارک، ۲۰۰۶).

به منظور بررسی موثق بودن اطلاعات تولید شده در این تحقیق، محقق-به واسطه دغدغه شغلی خود به‌عنوان هیئت‌علمی دانشگاه- تماس طولانی خود را محیط پژوهش حفظ نمود و از تحلیل موارد منفی و کفایت مراجع داده‌ها استفاده نمود. همچنین از روش کنترل و بازبینی خبرگان و محققان برای اعتبارسنجی مقوله‌ها و دسته‌بندی آنها استفاده شد. به عبارت دیگر در این تحقیق به منظور افزایش اعتبار پذیری، تمامی کدهای اولیه، پس از پایان کدگذاری هر مصاحبه و نیز رسیدن به تم‌های اصلی مورد بازبینی پژوهشگر قرار گرفتند و کدهای استخراج شده برای بررسی و تأیید به همکاران متخصص داده شد. علاوه بر این به منظور افزایش تأییدپذیری، تم‌های فرعی و اصلی به دست آمده از ۱۰ مصاحبه به سه نفر از مشارکت‌کنندگان اولیه به منظور بازبینی و تأیید ارائه شد و نکات پیشنهادی آنها اعمال شد. در نهایت از سه متخصص خواسته شد نظرات تخصصی خود را پیرامون لایه‌های تعبیه شده برای گروه‌های شناسایی شده از دانشجویان ارائه کنند. از طریق این اقدامات، موثق بودن اطلاعات تولید شده در این تحقیق برآورده شد.

یافته‌ها

در این تحقیق ویژگی جمعیت شناختی مشارکت‌کنندگان در جدول ۱ آمده است. همان‌گونه که نشان داده شده است اکثر مشارکت‌کنندگان در تحقیق در گرایش مدیریت بازاریابی در ورزش هستند. از نظر جنسیت اکثر مشارکت‌کنندگان (یعنی ۵۰/۸۵ درصد) مرد هستند. از نظر وضعیت طول تحصیل اکثر مشارکت‌کنندگان (یعنی ۳۷/۲۸ درصد) در ترم دوم تحصیلی هستند.

جدول ۱- ویژگی‌های جمعیت شناختی شرکت‌کنندگان در تحقیق

متغیر	دسته‌ها	فراوانی	درصد
گرایش تحصیلی	مدیریت بازاریابی در ورزش	۱۷	۲۸/۸۱
	مدیریت اوقات فراغت و ورزش‌های تفریحی	۹	۱۵/۲۵
	مدیریت راهبردی در سازمان‌های ورزشی	۱۵	۲۵/۴۲
	مدیریت اماکن و تأسیسات ورزشی	۷	۱۱/۸۶
	مدیریت رسانه‌های ورزشی	۶	۱۰/۱۶
	مدیریت رویدادهای ورزشی	۵	۸/۴۹
محل تحصیل	دانشگاه سراسری	۲۷	۴۵/۷۶
	دانشگاه آزاد	۱۴	۲۳/۷۲
	دانشگاه پیام نور	۱۲	۲۰/۳۳
	دانشگاه غیرانتفاعی	۶	۱۰/۱۸
جنسیت	زن	۲۹	۴۹/۱۵
	مرد	۳۰	۵۰/۸۵
وضعیت طول تحصیل	ترم اول	۸	۱۳/۵۵
	ترم دوم	۲۲	۳۷/۲۸
	ترم سوم	۱۴	۲۳/۷۲
	در حال نگارش پایان‌نامه	۱۵	۲۵/۴۴
	جمع کل	۵۹	۱۰۰

به منظور به کارگیری تحلیل مضمون و تجزیه و تحلیل محتوای مصاحبه‌ها، ابتدا متن هر مصاحبه از روی صدای ضبط شده از جلسه مصاحبه و جلسات گروه کانونی، پیاده‌سازی شد و با استفاده از یادداشت‌های برداشته شده طی جلسات مصاحبه تکمیل گردید. پس از مطالعه دقیق این متون، در ابتدا برای هر یک از مصاحبه‌های تهیه شده تمامی ایده‌های مستقل در قالب مفاهیم و کدهای اولیه شناسایی شدند. جدول ۲ نمونه‌ای از کدهای اولیه ارائه شده است.

جدول ۲- نمونه‌ای از کدهای اولیه استخراج شده از مصاحبه‌ها و گروه‌های کانونی

ردیف	نمونه متن (گزاره‌های منطقی-مفهومی)	کد اولیه	تعداد تکرار
۱	سایر دانشجویان و همکلاسی‌هایم به پذیرش در مقطع دکتری فکر می‌کنند (فشار اجتماعی)؛ به دنبال موفقیت تحصیلی هستم (به دست آوردن فرصت)؛ با مدرک تحصیلی دکتری به راحتی می‌توانم شغل بیابم (شغل بهتر)؛ ذهنم همواره مشغول ادامه تحصیل در مقطع دکتری است (مشغولیت ذهنی).	ادامه قدرتمند تحصیل در مقطع دکتری	۸
۲	اکثر دوستانم قصد مهاجرت به کشورهای پیشرفته دارند (قصد مهاجرت)؛ نخبه‌های رشته در داخل کشور با مشکلات فراوانی رو به رو هستند (وجود مشکلات داخلی)؛ فرصت‌های کاری در داخل کشور بر مبنای شایسته‌سالاری توزیع نمی‌شوند (عدم توزیع مناسب فرصت‌های شغلی)؛ دوستان نزدیک و همکاران پژوهشی‌ام را به واسطه مهاجرتشان از دست داده‌ام (از دست دادن همکاران پژوهشی).	مهاجرت برای کسب فرصت	۱۱
۳	بسیاری از افراد جامعه فقط به خودشان فکر می‌کنند نه به دیگران (خودخواهی فزاینده)؛ امیدوارم در آینده‌ای نزدیک بتوانم شغل مناسبی پیدا کنم (آمال و آرزوها)؛ مسائل مالی برایم بسیار مهم هستند (منابع مالی)؛ دوست دارم خانواده‌ام در آینده با کمترین مشکلات اقتصادی رو به رو باشد (اهمیت منابع مالی در زندگی خانوادگی).	در جستجوی منابع مالی و آرامش در زندگی	۱۵
۴	زندگی‌ام همواره با اشتباه در مورد رشته تحصیلی رو به رو بوده است (پشیمانی از انتخاب غلط)؛ محدودیت‌های متعددی در فضای آموزشی ما وجود دارد (محدودیت امکانات آموزشی)؛ بافت فکری جامعه ما دچار یک فرسودگی نهادینه شده است (انجماد زمینه‌های اجتماعی)؛ آنچه در ارشد آموخته‌ام تفاوت چندانی با مطالب دوره کارشناسی ندارد (عدم کفایت اطلاعات دوره آموزشی)؛ در دوره دکتری هم وضعیتم همین‌ی هست که الان دارم (ناامیدی به تغییر احوال)؛ گذشته ما تأثیر زیادی در آینده ما دارد (وزن دهی زیاد به اتفاقات گذشته)؛ شرایط سیاسی کشور امید همه ما را به آینده کاهش داده است (ناامیدی به بهبود اوضاع سیاسی).	سرخوردگی و ناامیدی نسبت به آینده	۱۷

ادامهٔ جدول ۲- نمونه‌ای از کدهای اولیه استخراج شده از مصاحبه‌ها و گروه‌های کانونی

ردیف	نمونه متن (گزاره‌های منطقی-مفهومی)	کد اولیه	تعداد تکرار
۵	داشتن پیشوند دکتر برایم از همه چیز مهم تر است (اعتباربخشی جامعه به دکتری)؛ من دغدغه مالی ندارم، فقط دکتر شدن برای اعضای خانواده‌ام مهم است (دغدغه خانوادگی برای دکتر شدن)؛ به اطرافیانم که دکتر شده‌اند حسادت می‌کنم (حسادت به اطرافیان)؛ به نظر افرادی که دکتر شده‌اند، می‌توانند راحت تر شغل پیدا کنند (تسهیل شغل یابی)؛ دکترها آدم‌های متشخصی هستند (تشخص از طریق عنوان تحصیلی)	اعتباریابی به واسطه مدرک	۱۳
۶	اگر دکترا بگیریم قطعاً به دنبال این هستیم که استاد دانشگاه شوم (کاریابی به واسطه مدرک دکتری)؛ تدریس در دانشگاه را خیلی دوست دارم (علاقه به تدریس)؛ بهترین اتفاق زندگی‌ام می‌تواند استاد دانشگاه شدن باشد (آینده مطلوب)؛ دکتر شدن برایم یک لذت درونی است (کسب لذت درونی).	کسب شغل متناسب با مدرک	۱۰
۷	فکر می‌کنم داشتن بچه با ادامه تحصیل تضادی ندارد (پایبندی نسبت به خانواده)؛ فناوری‌های جدید به روند ادامه تحصیل ما کمک می‌کنند (بهره‌گیری از فناوری‌ها)؛ اینترنت باعث می‌شود که اگر در شهرهای دور دکتری قبول شوم، ارتباطم را با خانواده از دست نخواهم داد (پیوستگی ارتباط).	اهمیت جایگاه خانواده و تناسب آن با تحصیل	۷
۸	تحصیل در دوره دکتری را فقط فرصتی برای یادگیری بیشتر می‌بینم (فرصت برای کسب اطلاعات بیشتر)؛ مواجهه با استادان جدید و شناخته شده برایم بسیار جذاب است (بهره‌گیری از استادان)؛ آرزویم آن است که بتوانم در دانشگاه‌های مادر دوره دکتری را بخوانم (برند دانشگاه)؛ امکاناتی که در اختیار دانشجویان دکتری قرار می‌گیرد بسیار جذاب است (وجود امکانات بیشتر)؛ در چند سال اخیر به دانشجویان دکتر کمک هزینه پرداخت می‌شود (انگیزه مالی).	انگیزه درونی و فرصت یادگیری بیشتر	۴

کدگذاری اولیه با در نظر گرفتن تأکیدات و دفعات اشاره به آنها در قالب مضامین فرعی و در نهایت مضامین اصلی با استفاده از یک رهیافت رفت و برگشتی بارها تکرار شد تا در نهایت مضامین اصلی و فرعی به شرح جدول ۳ به دست آمد.

جدول ۳- مضامین فرعی و اصلی مربوط به تصویر ذهنی دانشجویان از ادامه تحصیل

ردیف	مضامین فرعی	مضامین اصلی	تکرار
۱	تحولات اجتماعی، تضادها و شکاف‌های طبقاتی، ادامه راه گذشتگان، تغییرات فزاینده مربوط به آینده، ارزش‌ها و هنجارهای پایدار جامعه، حسرت‌ها و آمال	بن‌مایه‌های تصویر ذهنی دانشجویان از ادامه تحصیل	۵۳
۲	محقق واقعی، علاقه شخصی، الزام خدمت به جامعه، دغدغه علمی، حقیقت‌یابان، موتورهای پیشرفت علم	ادامه تحصیل دهندگان دل‌باخته علم	۲۶
۳	محققان ناچار، سکون علمی، اکتفا به شرایط موجود، دغدغه مالی، بدون دغدغه علمی، مدرک گرایان، راهروان ناگزیر علم	ادامه تحصیل دهندگان ناچار	۴۷
۴	محققان در پی فرصت، سردرگمی علمی، عدم اکتفا به شرایط موجود، نارضایتی از سیستم آموزش، بازار کار نامناسب، قماربازان عرصه علم	ادامه تحصیل دهندگان ریسک کننده	۳۲

مشارکت‌کنندگان در تحقیق از سه دسته کلی به سه تصویر ذهنی متفاوت تشکیل شده بودند. هر دسته تصویری متفاوت از ادامه تحصیل در مقطع دکتری داشتند که بالطبع در لایه‌های لیتانی، علل اجتماعی، گفتمان و استعاره با یکدیگر متفاوت بودند. برای تشریح بهتر تصاویر ذهنی این سه دسته، سه جدول تحلیل لایه‌ای علی (CLA) ترسیم شد. این سه دسته شامل "ادامه تحصیل دهندگان ناچار"، "ادامه تحصیل دهندگان دل‌باخته علم"، و "ادامه تحصیل دهندگان ریسک کننده" هستند. از آنجایی که در سطح تحلیل لیتانی، مقادیر کمی مورد تحلیل قرار می‌گیرند، نتایج مربوط به تحلیل سطح لیتانی در جدول ۴ نشان داده شده است.

جدول ۴- تحلیل سطح لیتانی تصویر ذهنی سه دسته از دانشجویان از مفهوم ادامه تحصیل

ابعاد سطح لیتانی	ادامه تحصیل دهندگان ناچار	ادامه تحصیل دهندگان دلباخته علم	ادامه تحصیل دهندگان ریسک کننده
تمایل به مهاجرت	متوسط	کم	بالا
امید به یافتن کار متناسب در داخل کشور	متوسط	بالا	کم
استقبال از سختی ادامه تحصیل	کم	بالا	کم
عشق به تحقیق و پیشرفت	کم	بالا	کم
کافی بودن اطلاعات آموزشی دوره کارشناسی ارشد	متوسط	کم	کم
محقق واقعی	۲۱ درصد	۷۰ درصد	۵۱ درصد
خودکفایی در انجام امور پژوهشی	۱۸ درصد	۶۸ درصد	۴۸ درصد
علاقه‌مند به یادگیری و فرصت‌های آموزشی	۳۹ درصد	۵۹ درصد	۴۶ درصد

تصویر ذهنی دسته اول از دانشجویان تحت عنوان "ادامه تحصیل دهندگان ناچار" شناسایی شد. با توجه به تکرارها و تأکیدات متون مصاحبه اکثر دانشجویان در این دسته قرار می‌گرفتند. در لایه‌های زیرین ذهن این دسته از دانشجویان ادامه تحصیل به مثابه تنها راه موجود بود که در قالب گفتمان مدرک‌گرایی و کسب یک درجه دانشگاهی بالا به منصفه ظهور می‌رسید. از دغدغه‌های اجتماعی آنها دغدغه مالی وجود داشت و به شرایط جامعه عادت کرده بودند و نوعی سکون را در وضعیت علمی از خود نشان می‌دادند. در سطح ظاهری امر هم ویژگی‌های پژوهشگری در آنها پایین بود و علاقه‌مندی اندکی برای کنکاش و یادگیری بیشتر از خود نشان می‌دادند. تحلیل لایه‌ای علی (ادامه تحصیل دهندگان ناچار به شرح شکل ۱ است.



شکل ۱- تحلیل لایه‌ای علی دانشجویان در دسته ادامه تحصیل دهندگان ناچار

تصویر ذهنی دسته دوم از دانشجویان تحت عنوان "ادامه تحصیل دهندگان دلباخته علم" شناسایی شد. با توجه به تکرارها و تأکیدات متون مصاحبه تعداد بسیار کمی از دانشجویان در این دسته قرار می‌گرفتند. در لایه‌های زیرین ذهن این دسته از دانشجویان ادامه تحصیل به مثابه عشق به حقیقت بود که در قالب گفتمان حقیقت‌یابی و کشف امور به منصف ظهور می‌رسید. از دغدغه‌های اجتماعی آنها دغدغه علمی وجود داشت و خود را ملزم به خدمت جامعه می‌دانستند و نوعی علاقه به یادگیری از خود نشان می‌دادند. در سطح ظاهری امر هم ویژگی‌های پژوهشگری در آنها بسیار بالا بود و علاقه‌مندی زیادی برای کنکاش و یادگیری بیشتر از خود نشان می‌دادند. تحلیل لایه‌ای علی (ادامه تحصیل دهندگان دلباخته علم به شرح شکل ۲ است).



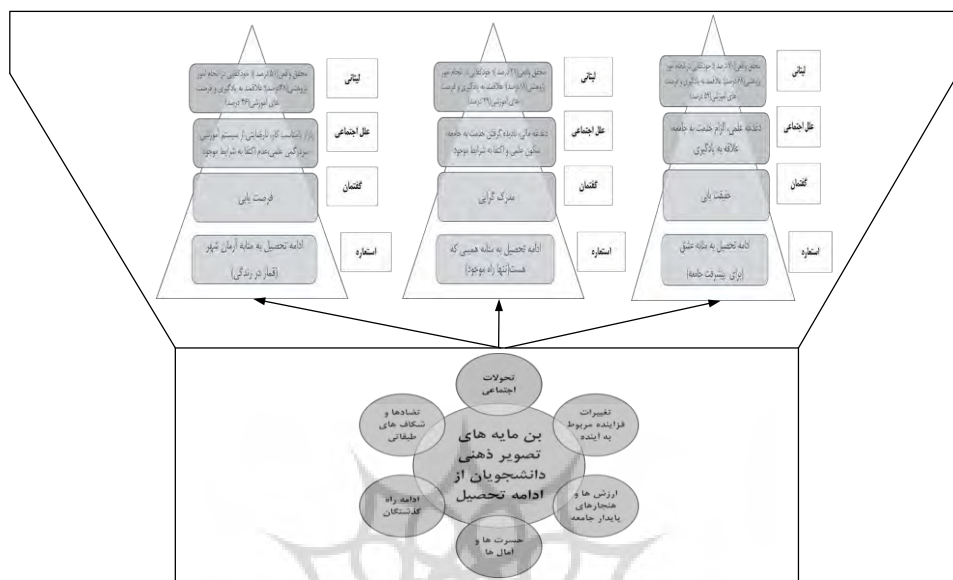
شکل ۲- تحلیل لایه‌ای علی دانشجویان در دسته ادامه تحصیل دهندگان دل‌باخته علم

تصویر ذهنی دسته سوم از دانشجویان تحت عنوان "ادامه تحصیل دهندگان ریسک کننده" شناسایی شد. با توجه به تکرارها و تأکیدات متون مصاحبه تعداد کمی از دانشجویان در این دسته قرار می‌گرفتند. در لایه‌های زیرین ذهن این دسته از دانشجویان ادامه تحصیل به مثابه راهی به آرمان‌شهر (یک قمار) بود که در قالب گفتمان فرصت‌یابی و جستجوی اولین و بهترین فرصت‌ها در لوای تحصیل به منصفه ظهور می‌رسید. از دغدغه‌های اجتماعی آنها دغدغه بازار نامناسب کاری در جامعه و نارضایتی از سیستم آموزش وجود داشت و نوعی سردرگمی علمی را در فضای آموزشی از خود نشان می‌دادند. در سطح ظاهری امر هم ویژگی‌های پژوهشگری و علاقه‌مندی برای کنکاش و یادگیری در آنها متوسط بود و تمایل بسیار بالایی به مهاجرت از خود نشان می‌دادند. تحلیل لایه‌ای علی (ادامه تحصیل دهندگان ریسک کننده به شرح شکل ۳ است.



شکل ۳- تحلیل لایه‌ای علی دانشجویان در دسته ادامه تحصیل دهندگان ریسک کننده

نتایج نشان داد که شش مؤلفه در شکل‌گیری تصویر ذهنی دانشجویان کارشناسی ارشد مدیریت ورزشی وجود دارند که عبارتند از تحولات اجتماعی، تضادها و شکاف‌های طبقاتی، ادامه راه گذشتگان، تغییرات فزاینده مربوط به آینده، ارزش‌ها و هنجارهای پایدار جامعه، حسرت‌ها و آمل. این مؤلفه‌ها بن‌مایه‌های تصویر ذهنی دانشجویان از ادامه تحصیل تشکیل می‌دهند. این بن‌مایه‌ها سه دسته تصویر ذهنی در دانشجویان کارشناسی ارشد برای ادامه تحصیل در مقطع دکتری را به وجود آورده است که هر یک دارای لایه‌های خاص خود هستند. این روابط بین بن‌مایه‌های تصویر ذهنی و لایه‌های هر یک از این تصویر ذهنی از ادامه تحصیل در مقطع دکتری را می‌توان به صورت شکل ۴ مشاهده نمود.



شکل ۴- بن‌مایه‌های تصویر ذهنی دانشجویان کارشناسی ارشد مدیریت ورزشی و لایه‌های نشأت‌گرفته از آن در مورد ادامه تحصیل در مقطع دکتری

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این تحقیق تحلیل تصویر ذهنی دانشجویان کارشناسی ارشد مدیریت ورزشی از ادامه تحصیل در مقطع دکتری است. از طریق روش کیفی با استراتژی موردپژوهی و به کارگیری تکنیک تحلیل لایه‌ای علی (CLA) داده‌ها جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل شد. نتایج نشان داد دانشجویان کارشناسی ارشد مدیریت ورزشی دارای سه دسته تصویر ذهنی از مفهوم ادامه تحصیل در مقطع دکتری بودند که متأثر بن‌مایه‌های تصویر ذهنی هستند. تصویر ذهنی دسته اول از دانشجویان تحت عنوان "ادامه تحصیل دهندگان ناچار" شناسایی شد. تصویر ذهنی دسته دوم از دانشجویان تحت عنوان "ادامه تحصیل دهندگان دلباخته علم" شناسایی شد. در نهایت تصویر ذهنی دسته سوم از دانشجویان تحت عنوان "ادامه تحصیل دهندگان ریسک‌کننده" شناسایی شد. در تبیین و تحلیل لایه‌های شکل‌گرفته تصویر ذهنی دانشجویان کارشناسی ارشد مدیریت ورزشی از موضوع ادامه تحصیل در مقطع دکتری باید این‌گونه بیان نمود که بر اساس بن‌مایه‌های تصویر ذهنی در دانشجویان طیفی تحت عنوان "ادامه تحصیل دهندگان ناچار" شکل گرفته است. این تصویر بدین معنا است که دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد مدیریت ورزشی خود را مجبور به ادامه تحصیل می‌دانند؛ زیرا راه‌یابی به مقطع دکتری را تنها راه موجود در زندگی خود می‌دانند. این‌گونه از

دانشجویان که براساس تحلیل سطح لیتانی تعدادشان هم بالاست، در سطح ناخودآگاه خود تحصیل را به مثابه استعاره "همینی که هست" می‌دانند. آنها در گفتمان قالب مدرک‌گرایی به کنش می‌پردازند و سعی می‌کنند که تنها راه موجود را به واسطه به دست آوردن مدرکی که نوعی سرمایه برای‌شان تلقی می‌شود، سپری کنند. در واقع کسب مدرک دکتری برای آنها همان سرمایه‌ای است که می‌تواند از طریق مبادله آن با مراکز آموزشی تبدیل به درآمد و ارزش شود. به نظر می‌رسد این نگاه غالب جامعه به چنین افرادی است که درگیر دغدغه مالی هستند. آنها به این دلیل این‌که از طریق مدرک دکتری می‌توانند شغلی درخور به دست آورند و جایگاه اجتماعی خود را بالا ببرند و حسرت‌ها و آمال خود را پاسخگو باشند، تلاش می‌کنند حتماً در مقطع دکتری قبول شوند. این افراد همان‌گونه که زاریو-گریما (۲۰۲۰) بیان می‌کند در رقابتی پایدار برای ادامه تحصیل و به دست آوردن عناوین تحصیلی بالای دانشگاهی (نظیر دکتر و مهندس) به سر می‌برند؛ تا از این طریق پایگاه عمومی و وجهه اجتماعی جدیدی برای خود به دست آورند. در سطح ظاهری تصویر ذهنی این دسته از دانشجویان می‌توان ملاحظه نمود که هم ویژگی‌های پژوهشگری در آنها پایین است و هم علاقه‌مندی اندکی برای کنکاش و یادگیری بیشتر از خود نشان می‌دهند. در واقع همان‌گونه که مهدی زاده و هاشمی (۲۰۲۰) و اکبری بورنگ (۲۰۱۵) به صورت ضمنی اشاره می‌کنند، این دانشجویان و تصویر ذهنی‌شان دارای یک سکون و اینرسی خاصی در روند ادامه تحصیل است. بدین معنا که انگیزش ثابتی برای ادامه تحصیل داشته و اکثریتی هستند که به واسطه انگیزه بهبود وضعیت شغلی به دنبال ادامه تحصیل هستند. این تصویر ذهنی از ادامه تحصیل را می‌توان حاصل کنش‌های دانشجویان با سیاست‌های اشتغال در جامعه مبنی بر استخدام با مدرک بالای دانشگاهی دانست. زیرا برای بسیاری از دانشجویان ادامه تحصیل به مثابه به دست آوردن مدرکی است که می‌تواند شغل آتی آنها را تضمین کند.

نتایج نشان داد بر اساس بن‌مایه‌های تصویر ذهنی در دانشجویان طیفی تحت عنوان "ادامه تحصیل دهندگان دلباخته علم" شکل گرفته است. این تصویر ذهنی که در تعداد اندکی از دانشجویان شکل گرفته است، در سطح استعاره‌ای ادامه تحصیل به مثابه عشق به حقیقت جلوه می‌کند. در واقع این ویژگی در گفتمان حقیقت‌یابی توانسته است شکلی از دغدغه علمی در دانشجویان به وجود آورد که خود را ملزم به گره‌گشایی‌های علمی و حل مسائل خاص در رشته مدیریت ورزشی می‌دیدند. این تصویر ذهنی نشان می‌دهد دانشجویان به دنبال فرصت‌های یادگیری و امکانات بیشتر در مقطع دکتری هستند. زیرا آنها دغدغه عملی دارند و به دنبال راهی برای فهم بهتر و بیشتر در حوزه مطالعاتی خود هستند. در سطح ظاهری این تصویر ذهنی هم می‌توان ویژگی‌های پژوهشگری بسیار بالا و علاقه‌مندی زیاد برای کنکاش و یادگیری بیشتر را ملاحظه نمود. این دسته از دانشجویان

دارای یک تصویر ذهنی از ادامه تحصیل در مقطع دکتری هستند که با ذات علم قرابت بسیار بالایی دارد. این تصویر ذهنی در دانشجویان همان صورتی است که لی و همکاران (۲۰۱۹)، کاکس و گروس (۲۰۱۹)، صادقی و باقریان (۲۰۱۳) و مونی و همکاران (۲۰۱۶) به آن اشاره می‌کنند. وجه مشترک این تصویر ذهنی شناخته‌شده و نتایج تحقیقات آنها اشتیاق ذاتی به علم و کشف حقایق است. این دسته از دانشجویان در فرایندهای پژوهشی و قابلیت‌های مرتبط با آن در سطح بسیار بالایی قرار دارند و توانایی اجرای پروژه‌های تحقیقاتی مختلف هستند. آنها ادامه تحصیل را -فارغ از پیامدهای حاصل از آن- به مثابه عشق می‌بینند و تلاش می‌کنند در رسیدن به این عشق از هیچ امری فروگذاری نکنند. نکته بسیار مهمی که در این دسته از تصویر ذهنی دانشجویان وجود داشت، نقش پیشوایی و مرشدی استادان در شکل‌گیری تصویر ذهنی‌شان نسبت به ادامه تحصیل بود. در واقع بررسی‌های مصاحبه‌ها و گروه‌های کانونی نشان می‌داد این دسته از دانشجویان علاقه خاصی به برخی از استادان خود و حوزه‌های مطالعاتی‌شان نشان می‌دادند. آنها با علاقه‌ای که به استادان مذکور داشتند، سعی می‌کردند آینده تحصیلی خود را بر مبنای این الگوهای ذهنی‌شان شکل دهند. این نکته در تحقیق اکبری بونگ (۲۰۱۵) نیز مورد اشاره قرار گرفته است. او در تحقیق خود به این نکته اشاره می‌کند که مدرسان و استادان نقش مؤثری در شکل‌دهی به تصویر ذهنی دانشجویان برای ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر دارند. بر اساس این نتیجه تحقیق به نظر می‌رسد در فرایند تحصیلات تکمیلی ویژگی‌های شخصیتی و تکامل ابعاد علمی-اخلاقی استادان می‌تواند نقش مؤثری در ساختن تصویر ذهنی "ادامه تحصیل به مثابه عشق به حقیقت" داشته باشد و زمینه لازم را برای پیشرفت و بهبود وضعیت علمی رشته مدیریت ورزشی فراهم نماید. در واقع وجود استادان شایسته و به‌روز که به مسائل جاری رشته مدیریت ورزشی آشنایی دارند می‌تواند گفتمان حقیقت‌یابی و علاقه به یادگیری را بسط دهند و گرایش به تفکر انتقادی و حل مسائل به شیوه مبتکرانه را ترویج دهند.

در نهایت، یکی دیگر از نتایج تحقیق این بود که بر اساس بن‌مایه‌های تصویر ذهنی در دانشجویان طیفی تحت عنوان "ادامه تحصیل دهندگان ریسک‌کننده" شکل گرفته است. این تصویر ذهنی که مربوط به تعداد کمی از دانشجویان بود، در لایه‌های زیرین خود استعاره ادامه تحصیل به مثابه راهی به آرمان‌شهر (یک قمار) بود. در واقع دانشجویان در ذهن ناخودآگاه خود آرمان‌شهری را ترسیم کرده بودند که یکی از راه‌های رسیدن به آن ادامه تحصیل در مقطع دکتری بود. آنها در گفتمان فرصت‌یابی و جستجوی فرصت‌های موجود -نظیر اخذ پذیرش از دانشگاه‌های خارجی یا کسب سهمیه استعدادهای درخشان- سعی داشتند که کنش‌های اجتماعی خود را در قبال شرایط نامناسب بازار کار و نارضایتی از سیستم آموزش عالی در این رشته ارائه کنند. آنها غالباً به این نکته

اشاره می‌کردند که فضای آموزشی در مقطع کارشناسی ارشد برای آنها کافی نیست و نمی‌توانند مهارت‌های لازم برای ورود به بازار کار را به دست آورند. علاوه بر این، بازار کار بیرون هم برای کارشناسی ارشد فرصت لازم را ارائه نمی‌کند. از این رو باید خود را در عرصه‌ای بالاتر با فرصت‌های بیشتر بیابند و یک راه برای این کار، ادامه تحصیل است. در سطح ظاهری امر هم ویژگی‌های پژوهشگری و علاقه‌مندی برای کنکاش و یادگیری در آنها متوسط بود و تمایل بسیار بالایی به مهاجرت از خود نشان می‌دادند. آنها مهاجرت علمی را همانند یک ریسک می‌دیدند که می‌تواند آنها را به آرمان شهر برساند. این ویژگی تمایل به مهاجرت از سوی دانشجویان برای کسب فرصت‌های ادامه تحصیل در تحقیقات لو و همکاران (۲۰۱۸) و داغستانی خامنه (۲۰۱۰) مورد اشاره قرار گرفته‌اند. نتایج این تحقیقات نشان می‌دهد جنسیت، هویت ملی و امکانات رفاهی و آموزشی نقشی مؤثر در ریسک دانشجویان برای مهاجرت دارند. علاوه بر این، نارضایتی از برنامه‌های آموزشی تحصیلات تکمیلی داخلی و همچنین تصویر مثبت ادراک‌شده از این برنامه‌ها در خارج از کشور میزان احتمال ریسک مهاجرت را در چنین دانشجویانی بالا می‌برد. نکته قابل توجه در مورد این دسته از تصویر ذهنی دانشجویان از ادامه تحصیل سردرگمی آنها از نحوه بهره‌گیری از فرصت‌های موجود بود. تحلیل مصاحبه‌ها و گروه‌های کانونی نشان می‌داد میزان ثبات رأی در آنها برای بهره‌گیری از فرصت‌های موجود در روند ادامه تحصیل، بسیار پایین است. در واقع آنها در ابتدای امر تمایل به مهاجرت را از خود ابراز می‌داشتند و در ادامه مصاحبه‌ها تمایل به بهره‌گیری از فرصت استعداد‌های درخشان! این نوسانات در اندیشه چنین دانشجویانی شاید نشأت از اسطوره ذهنی‌شان یعنی ادامه تحصیل به مثابه قمار باشد. یک قمارباز همواره به دنبال بهره‌گیری از فرصت‌ها و کسب حداکثر بهره از تمامی احتمالات موجود است. این چنین استعاره‌ای می‌تواند توجیه‌کننده سردرگمی دانشجویان از موضوع ادامه تحصیل باشد.

نتایج تحقیق نشان می‌داد تصاویر ذهنی شکل‌گرفته دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد از ادامه تحصیل در مقطع دکتری تابع یک سری بن‌مایه‌هایی از قبیل تحولات اجتماعی، تضادها و شکاف‌های طبقاتی، ادامه راه گذشتگان، تغییرات فزاینده مربوط به آینده، ارزش‌ها و هنجارهای پایدار جامعه، حسرت‌ها و آمال است. با نگاهی به بن‌مایه‌های تصویر ذهنی شناسایی‌شده می‌توان به‌خوبی تجربه زیسته دانشجویان از وضعیت کنونی و گذشته جامعه و تغییرات مربوط به آینده آن را ملاحظه نمود. به‌خوبی می‌توان این نکته را مطرح کرد که این تجربه زیسته و روندهای مختلف اجتماعی در شکل‌گیری تقاضا برای ادامه تحصیل دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد مدیریت ورزشی مؤثر هستند. گواه این مدعا تحقیقاتی است که نشان‌دهنده وجود رابطه تقاضای ادامه تحصیل و روندهای اجتماعی است. در این راستا مهدی زاده و هاشمی (۲۰۲۰) بیان می‌کنند تقاضا

برای تحصیل در مقطع دکتری با نظام اجتماعی و ویژگی‌های آن رابطه دارد. علاوه بر این مونی و همکاران (۲۰۱۶) نیز بر این امر تأکید کرده‌اند که جنبه‌های اجتماعی نوعی مشوق برای ادامه تحصیل است. در کنار این موضوع، نتایج این تحقیق نشان داد نگرش‌ها و برداشت‌های دانشجویان کارشناسی ارشد مدیریت ورزشی به مسائل اجتماعی و محیطی به همراه ویژگی‌های شخصیتی می‌تواند تصویر ذهنی در رابطه با موضوع ادامه تحصیل در مقطع دکتری در آنها به وجود آورد. به بیان دیگر، تحولات اجتماعی و ساختار جامعه می‌تواند به همراه ویژگی‌های فردی و شخصیتی دانشجویان، بن‌مایه‌هایی را برای شکل‌گیری تصویر ذهنی‌شان از امور مختلف به وجود آورد. یکی از امور مهم در زندگی دانشجویان نحوه تصورشان از ادامه تحصیل و تصمیم‌گیری در مورد آن است. بر اساس نتایج تحقیق، این تصویر ذهنی به سه شکل تبلور می‌یابد که هر یک لایه‌ها و ویژگی‌های خاص خود را دارند. دانشجویانی که ادامه تحصیل را به مثابه تنها راه موجود می‌بینند، نیازمند آن هستند که بر طبق قواعد موجود حرکت کنند و زندگی خود را منطبق بر وضعیت موجود می‌سازند. در واقع آنها دانشجویانی هستند که کسب مدرک را اولویت مهم خود می‌دانند و سعی می‌کنند از طریق این مدرک دغدغه مالی و شخصی خود را برطرف کنند. دانشجویانی که ادامه تحصیل را به مثابه عشق می‌دانند، سعی می‌کنند تمام ویژگی‌ها و قابلیت‌های لازم را برای طی طریق عشق به دست آورند و با فهم حقیقت دغدغه‌های علمی خود را برطرف سازند. آنها محققانی راستین هستند که همواره به دنبال فرصتی برای یادگیری و خدمت به جامعه هستند. در نهایت دانشجویانی که ادامه تحصیل را به مثابه یک قمار می‌بینند، همواره به دنبال بهره‌گیری از فرصت‌ها هستند و سعی می‌کنند گزینه‌های مختلف را به شکل هم‌زمان پیش ببرند و در زمان مقتضی از آنها بهره بگیرند. آنها از شرایط بازار کار و سیستم آموزش عالی رضایت ندارند و همین نارضایتی آنها را به ریسک مهاجرت علمی وادار می‌کند.

این تصاویر ذهنی دانشجویان کارشناسی ارشد مدیریت ورزشی از ادامه تحصیل در مقطع دکتری می‌تواند بازنمایی‌کننده تحولات اجتماعی و همچنین سیاست‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات وزارت علوم در قبال رشته مدیریت ورزشی باشد. آگاهی از این تصاویر ذهنی برای استادان و مدرسان رشته مدیریت ورزشی بسیار ارزشمند هستند زیرا می‌توانند در شیوه‌های تعامل و جهت‌دهی به دانشجویان از رویکرد مناسب استفاده کنند تا از این طریق رسیدن به اهداف آموزشی بهتر صورت گیرد. مدعای این قضیه نقش پررنگ شخصیت استادان در شکل‌گیری تصویر ذهنی "حقیقت‌یابی و علم جویی" برای دانشجویان است. بر همین اساس پیشنهاد می‌شود استادان مقطع تحصیلات تکمیلی رشته مدیریت ورزشی قواعد اخلاقی در تعامل با دانشجویان را رعایت کرده، دانش خود را به‌روز نموده و سعی کنند از جنبه‌های مختلف انسانی به دانشجویان بنگرند. علاوه بر این پیشنهاد

می‌شود توصیفی منطقی و مطابق با واقعیت از "مدارک" تحصیلات تکمیلی به دانشجویان ارائه شود تا در آنها توقعات بی‌جا شکل نگیرد. همچنین پیشنهاد می‌شود در سرفصل‌های آموزشی مقطع دکتری فرصت‌های متعدد یادگیری مهارت‌ها و بهره‌گیری از تجارب موفق مورد تأکید قرار گیرد تا از این طریق دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد خود را با فرصت‌های مختلف روبه‌رو ببینند و از طریق بهره‌گیری از آنها در مقطع دکتری سرمایه‌های انسانی خود را توسعه دهند. باید خاطرنشان کرد که این تحقیق محدود به دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد رشته مدیریت ورزشی بوده است و سایر رشته‌های علوم ورزشی محل بررسی و تفحص نبوده است. همچنین از دیگر محدودیت‌های تحقیق این است که بانک جامعی از اطلاعات، مهارت‌ها و ویژگی‌های دانشجویان رشته مدیریت ورزشی دانشگاه‌های ایران در دسترس نیست که بتوان برای تحلیل بهتر تصاویر ذهنی دانشجویان از آنها بهره گرفت. با وجود این، این تحقیق ادعای جامعیت ندارد اما در نوع خود یکی از حوزه‌های مهم رشته مدیریت ورزشی را مورد اشاره قرار داده است که تداوم آن از سوی محققان دیگر و اجرای تحقیقات کمی می‌تواند آمارهایی را در اختیار دست‌اندرکاران و برنامه‌ریزان رشته مدیریت ورزشی قرار دهد و تحلیل‌های صحیحی را از سوی کارشناسان به بار آورد.

منابع

1. Abuloha, S., Sharaydih, R., & Wazaify, M. (2019). Exploring the needs, barriers, and motivation of Jordanian pharmacists towards continuing education. *Tropical Journal of Pharmaceutical Research*, 18 (12): 2687-2693.
2. Akbari Booreng M. (2015) The Role of the Future Career Prospects in Students' Educational Motivation of Birjand University of Medical Sciences. *jmed.*, 10 (2) :138-149. (Persian).
3. Andrew, D. P., Pedersen, P. M., & McEvoy, C. D. (2011). *Research methods and design in sport management*. Illinois, Human Kinetics Publishers.
4. Bishop, B. J., & Dzidic, P. L. (2014). Dealing with wicked problems: Conducting a causal layered analysis of complex social psychological issues. *American Journal of Community Psychology*, 53 (1-2): 13-24.
5. Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative research in psychology*, 3 (2): 77-101.
6. Cox D R, Grus C L. (2019) From Continuing Education to Continuing Competence, *Journal of Professional Psychology: Research and Practice*, 50 (2): 113.
7. DaghestanKh .A (2010) studying sociological factors affecting students ' tendency to migrate from the country, thesis of M.A in Public administration, Payam Noor University, pp: 12-32.
8. Haigh, M. (2016). Fostering deeper critical inquiry with causal layered analysis. *Journal of Geography in Higher Education*, 40 (2): 164-181.

9. Inayatullah, S. (1998). Causal layered analysis: Poststructuralism as method. *Futures*, 30 (8): 815-829.
10. Inayatullah, S. (2009). Causal layered analysis: An integrative and transformative theory and method. *Futures Research Methodology*, Version, 3.
11. Inayatullah, S. (2014). Causal layered analysis defined. *The Futurist*, 48 (1): 26.
12. Khodadadi, M., Najdrahmati, B., Farid Fathi, M. (2017). Relationship between Sports Participation Motivation, Happiness and Academic Achievement of Secondary School Boys' Student in Bonab City. *Research on Educational Sport*, 5 (13): 155-174. (Persian).
13. Khosravi, F., Delvarianzadeh, M., Bagheri, H., Bahar, A., Bahar Gogani, R. (2016). Factors Relating to Incentive of Continuing Postgraduate Degrees Among Undergraduate Students in Health Faculty at Shahroud University of Medical Sciences. *Educational Development of Judishapur*, 7 (3): 231-239. (Persian).
14. Kinsella, D., Fry, M., & Zecchin, A. (2018). Motivational factors influencing nurses to undertake postgraduate hospital-based education. *Nurse education in practice*, 31: 54-60.
15. kosari, M., khoshnam, M. (2017). Phenomenological analysis of the student's mental meaning of the university. *jiera*, 11 (38): 171-193 (Persian).
16. Lea, S. (2009) Factors That Influence Students' Desiers to Attend Higher Education, Submitted in Partial Fulfillment of the Requirements for Tthe Degree Doctor of Education Seton Hall University. pp: 23-34.
17. Li, X. D., Chen, H. J., Wang, L., Kong, X. Y., & Ying, J. (2019). Scientific Research Capability and Continuing Education Needs for Nurses with Master's Degrees in China. *The Journal of Continuing Education in Nursing*, 50 (2): 61-68.
18. Li, Y. H. (2014). Analysis of Digital Electronic Teaching in Higher Vocational Colleges-Cultivating and Stimulating Learning Motivation. In *Advanced Materials Research* (Vol. 989, pp. 5221-5223). Trans Tech Publications Ltd.
19. Lu, G., Tian, M., & Lai, M. H. (2018). Analysis of Factors Influencing Chinese Undergraduate Students' Choice of Foreign Postgraduate Education. *In International Student Mobility and Opportunities for Growth in the Global Marketplace*, 215-245.
20. Mahdizadeh.M, Hashemi.S.Z (2020) Sociological Analysis of Factors Affecting Social Demand for Ph.D. (Case Study of Ph.D Students of Tehran Universities), *Journal of social research and studies in Iran*, 8(4): 819-846(Persian)
21. Minniti A M, Chappell K, Regnier K, et al. (2019) Interprofessional Conversations in Continuing Education. *Journal of Professional Psychology: Research and Practice*, 50 (2): 136.
22. Money, J., Tracy, F., Hennessy, C., Nixon, S., & Ball, E. (2016). Student expectations: what is university really about? *Innovations in Practice*, 10 (2): 82-87.
23. Riedy, C. (2008). An integral extension of causal layered analysis. *Futures*, 40 (2): 150-159.
24. Sabouri Aghbulagh Rostam Khan T, Imanipour M, Ahmadi S. (2017) Reasons and motives for selecting major of medical education as post-graduate course: a qualitative study. *jmed*. 12 (3):133-146. (Persian).

25. Sadeghi M, Bahgerian A. (2013) Postgraduate Aspiration in Dental Students at Rafsanjan University of Medical Sciences. *JRUMS*; 12 (2):103-114. (Persian).
26. Sadeh, S., Mirramezani, M., Mesgaran, M., Feizpour, A., Azadi, P. (2019), Stanford Iran 2040 Project: The Scientific Output of Iran: Quantity, Quality, and Corruption, Stanford University, Working Paper, 7
27. Salehi Omran, E., Hoseini Tabar, F. (2014). Graduate to Higher Education or Employment in the Labor market: An Examination of Theoretical Viewpoints. *Science and Technology Policy Letters*, 04 (3): 33-52. (Persian).
28. Salimi, M., KhodaParast, M. (2016). The effect of teacherstudent relationship on educational motivation and research selfefficacy in graduated students of Physical Education and Sport Sciences. *Research on Educational Sport*, 4 (9): 109-126 (Persian).
29. Yihui, U. (2019). Reflections on Adult Academic Education Based on the Motivation of Higher Vocational Students' N (2019eeds for Continuing Education. *DEStech Transactions on Social Science, Education and Human Science*, (isehs), pp: 183-190.
30. Yin, R. R. (2003). *Case Study Research: Design and Methods*. (3rd ed). Thousand Oaks, CA: Sage.
31. Zarei J, Azizi A, Kazemi A. (2011) A survey of factors affecting on decreased desire to continue education on undergraduate students in Ahvaz Jondishapur University of Medical Sciences. *J Med Educ Dev*, 7 (15):49-59. (Persian).
32. Zorio-Grima, A. (2020). Driving factors for having visibility of sustainability contents in university degree titles. *Journal of Cleaner Production*, 242, 114746.

ارجاع دهی

نوروزی سیدحسینی، رسول. (۱۳۹۹). تحلیل تصویر ذهنی دانشجویان کارشناسی ارشد مدیریت ورزشی از ادامه تحصیل در مقطع دکتری (رویکردی مبتنی بر تحلیل لایه‌ای علی). *پژوهش در ورزش تربیتی*، ۸ (۲۱): ۱۹۷-۲۲۲. شناسه دیجیتال: 10.22089/res.2020.8786.1863

Norouzi Seyed Hossini, R. (2020). Analysis of the Mental Image in M.A Sport Management's Students from Continuing to Study at a Doctoral Degree (an Approach Based on Causal Layered Analysis). *Research on Educational Sport*, 8 (21): 197-222. (Persian). DOI: 10.22089/res.2020.8786.1863

Analysis of the Mental Image in M.A Sport Management`s Students from Continuing to Study at a Doctoral Degree (an Approach Based on Causal Layered Analysis)

R. Norouzi Seyed Hossini¹

1. Assistant Professor, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Received: 2020/04/22

Accepted: 2020/08/09

Abstract

The Mental image of Students from concept of continuing education represents their expectations and their orientation in higher education. The Aim of this study is Analysis of the Mental image in M.A sport management`s Students from continuing to study at a doctoral degree. Through qualitative method based on case study, data were collected in the form of interviews and focus groups. Through the purposive sampling method, the participants constitute 59 M.A student in the field of sport management. In order to analyze the data, the thematic analysis and Causal Layered Analysis (CLA) were used. The results showed that MA students in sport management had three mental images of the concept of continuing education at a doctoral degree. They are a) Compelled in Continuing Education, b) Science lover in Continuing Education, c) Risk-taking in Continuing Education. It can be concluded that these Mental image in M.A sport management`s Students from continuing to study at a doctoral degree are result in educational policies and interactions in life-worlds of Students in the scientific environments of sport management. The results of this study can be a good way to develop the fields of study in graduate studies. The results of this study can be useful for extending the fields in graduate degrees, as well as, can be useful for coordinating employment policies with educational policies related to the discipline of sport management.

Keywords: Motivation of Continuing Education, Mental Image, Causal Layered Analysis (CLA), Science lover, Education Policy
